گفت‌وگوی «جوان» با دبیر شبکه فعالان جهاد و شهادت درباره فعالیت‌های فرهنگی مرحوم احمد یلالی

یادگاری حاج‌احمد ثبت گنجینه خاطرات والدین شهداست

■ علیرضا محمدی

حاج‌احمد یلالی از فعالان فرهنگی و اجتماعی حوزه ایثار، جهاد و شهادت بود که ۲۵ مهر بر اثر عوارض ناشی از بیماری کرونا فوت کرد. مرحوم یلالی هرچند سنش به حضور در جبهه‌های دفاع مقدس قد نمی‌داد، اما آن‌قدر دلداده شهدا و خدمتگزار خانواده‌هایشان بود که خبر فوتش بازتاب زیادی در فضای مجازی خصوصاً در میان فعالان فرهنگی این حوزه ایجاد کرد. از آنجایی که حاج‌احمد رابط مجمع فعالان جهاد و شهادت کشور (شبکه ملی وارثون) در استان خوزستان بود، گفت‌وگویی با حجت‌الاسلام جواد شفیعیان دبیر این مجمع انجام دادیم تا مروری بر برخی از فعالیت‌های مرحوم یلالی در حوزه جهاد و شهادت داشته باشیم.

واسطه گفت‌وگوی ما با شما سردار علی ناظری از مسئولان سازمان حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس سپاه و بسیج بود، برایم جالب است که مگر مرحوم یلالی چه داشت که خبر فوتش این‌قدر بازتاب پیدا کرد؟

به نظر من راز محبوبیت حاج‌احمد در اخلاص و پشتکار ایشان بود. آنجا که بحث تکریم و توجه به خانواده‌های شهدا می‌شد، مرحوم یلالی از هیچ کوششی فروگذار نبود و خالصانه کار می‌کرد. سال گذشته که ما در آبادان حضور یافتیم، فیلم‌هایی از ایشان داشتیم که فعالان فرهنگی آنجا مشتاق بودند این فیلم‌ها را از ما بگیرند. دلیلش را پرسیدیم، گفتند به رغم فعالیت‌های بسیار آقای یلالی ما هیچ فیلمی از ایشان نداریم! حاج‌احمد اهل تظاهر نبود و هر کاری می‌کرد با کمترین سر و صدا و واقعاً خالصانه انجام می‌داد.

ایشان فعالیت‌های فرهنگی در حوزه ایثار و شهادت را از کجا شروع کرد؟

قبل از هر چیز این نکته را یادآور شوم که مرحوم یلالی در یک خانواده انقلابی و مذهبی رشد پیدا کرده بود. دو سال پیش برادر خانم‌شان شهید صالحی در جریان گشت‌زنی‌های بسیج توسط عوامل ضدانقلاب به شهادت رسیده بود. با چنین پیش‌زمینه‌هایی مرحوم یلالی علاقه‌مند به بحث روایتگری بود و از دوران دانشجویی با راوی‌های مؤسسه سیره شهدا ارتباط گرفت. بعد نه تنها در حوزه روایتگری که در دیگر حوزه‌های مرتبط با شهدا و دفاع مقدس ورود کرد و کم‌کم از فعالیت‌های فرهنگی به فعالیت‌های اجتماعی، هنری و... رسید و با پشتکاری که داشت یادگاری‌های ارزشمندی از خود برجای گذارد.

چه یادگاری‌هایی؟ اگر می‌شود به موارد مصداقی فعالیت‌های ایشان بپردازید.

نکته‌ای که مرحوم یلالی بسیار به آن توجه داشت، فعالیت در حوزه تاریخ شفاهی بود. در این حوزه ایشان بسیار کوشا بود و با بسیاری از والدین شهدا در آبادان دیدار کرد و گنجینه‌ای از خاطرات این عزیزان را ثبت و ضبط کرد و این یادگاری ارزشمند را از خود برجای گذاشت. از همین رهگذر مرحوم یلالی یک مراسم تکریم برای والدین شهدا در آبادان برگزار کرد که در نوع خودش کم نظیر بود. با همکاری منطقه آزاد اروند، ایشان یکسری تیم‌هایی از خانم‌های بسیجی و فعال شهر را تشکیل داده بود که این تیم‌ها به درِ خانه مادران شهدا می‌رفتند و این عزیزان را از درِ خانه تا محل برگزاری مراسم مشایعت می‌کردند. یک نکته دیگر توجه ایشان به حوزه روایتگری بود. هم خودش علاقه زیادی به این بحث داشت و هم سعی می‌کرد تا آنجا که می‌تواند جوان‌ترها را آموزش بدهد و به حوزه روایتگری وارد کند. وقتی در مراسم تدفین مرحوم یلالی شرکت کرده بودیم، یکی از اساتید حوزه روایتگری که از دوستان نزدیک حاج‌احمد بود برایمان تعریف می‌کرد بعد از فوت ایشان، بسیاری از جوان‌ها و نوجوان‌ها مراجعه می‌کردند و می‌گفتند حالا که حاج‌احمد به رحمت خدا رفته است، شما دوره جدید کلاس‌های روایتگری را برپا کنید تا زحمات مرحوم یلالی بی‌نتیجه نماند و راهش ادامه پیدا کند. همین استاد تعریف می‌کرد یک روز مرحوم یلالی پیش ما آمد و با ذوق گفت من یک نفر را برای روایتگری آموزش داده‌ام. وقتی ذوقش را دیدیم مشتاق شدیم ببینیم چه کسی را آموزش داده است. دیدیم دختر خانمش که کلاس چهارم دبستان است با چادر از در وارد شد و شروع به روایتگری کرد. مرحوم یلالی بحث روایتگری را به حوزه علمیه آبادان در بخش برادران و خواهران کشانده بود و قصد داشت آموزش روایتگری را به حوزه‌های علمیه سطح استان خوزستان هم تسری دهد که متأسفانه این فرصت را پیدا نکرد.

گویا حاج‌احمد در بحث تربیت حماسی کودکان و نوجوانان برنامه‌ای را انجام داده بودند که مورد توجه رسانه‌های بیگانه قرار گرفته بود؟

برنامه تربیت حماسی در جنوب کشور در قالب رزمایش‌هایی برگزار می‌شود که در این رزمایش‌ها به نوجوان‌ها سلاح می‌دهند و لباس رزم می‌پوشانند و با سازماندهی این عزیزان، یک حمله فرضی را به پایگاه‌های دشمن انجام می‌دهند. سال گذشته با ابتکار مرحوم یلالی این رزمایش در بیمارستان امام علی(ع) در حاشیه شهر آبادان انجام گرفته بود. در این برنامه که عنوانش «فصل بیداری» بود، نوجوان‌های شرکت‌کننده به پایگاه‌های اسرائیلی حمله فرضی انجام داده بودند. این برنامه آن‌قدر بازتاب داشت که از طرف شبکه‌های صهیونیستی رصد شده بود و آنها در این خصوص موضع گرفته بودند. ظاهراً این‌طور عنوان می‌کردند که ایران دارد به نوجوان‌هایش ضدیت با اسرائیل و حمله به آن را آموزش می‌دهد.

> نکته‌ای که مرحوم یلالی بسیار به آن توجه داشت، فعالیت در حوزه تاریخ شفاهی بود. در این حوزه ایشان بسیار کوشا بود و با بسیاری از والدین شهدا در آبادان دیدار کرد و گنجینه‌ای از خاطرات این عزیزان را ثبت و ضبط کرد و این یادگاری ارزشمند را از خود برجای گذاشت

در خبرها آمده بود مرحوم یلالی از فعالان عرصه بهداشت و سلامت هم بودند؟

بله، ایشان چون پشتکار زیادی داشت، در بسیاری از عرصه‌ها ورود کرده بود. متخصص علوم آزمایشگاهی بود و اتفاقاً در مراسم تشییع پیکرشان کارکنان بیمارستان طالقانی آبادان سنگ تمام گذاشتند. از طرف دیگر مرحوم یلالی مسئول حوزه هنری استان خوزستان بود و آن‌قدر فعالیت فرهنگی گسترده‌ای در آبادان و خرمشهر داشت که باعث شده بود مؤسسه فرهنگی و اجتماعی سلمان در آبادان و خوزستان یک ماهیت مستقلی پیدا کند. حاج‌احمد یک بسیجی به تمام معنا بود و غیر از فعالیت‌های فرهنگی، در عرصه جهادی هم خدمت می‌کرد.

نکته‌ای که در خصوص حاج‌احمد مطرح می‌شود، توجه ایشان به ارتباط‌گیری با جوان‌ترها و کار فرهنگی روی این قشر است. خود شما هم گفتید در بحث روایتگری تلاش داشتند جوان‌ها را وارد عرصه کنند. در کل ارتباط ایشان با جوان‌ترها چطور بود؟

شاید الان که ما داریم درباره ایشان صحبت می‌کنیم، اول به برکت توجه شهدا به ایشان به عنوان خادم‌الشهدا باشد و دوم به دلیل تلاش‌هایی باشد که مرحوم یلالی در جهت تربیت نسل جوان انجام می‌داد. ایشان در مسجد باقرالعلوم(ع) آبادان کانون فرهنگی- تربیتی باقرالعلوم را تشکیل داده بود که این کانون در دو حوزه فعالیت می‌کرد. یکی در حوزه کتاب و نشر در خصوص شهدا بود که در این بخش آثار ارزشمندی برجای مانده است و دومین مورد تربیت افسران جوان جنگ نرم است که در کانون باقرالعلوم نسلی از جوان‌های پای کار شهدا و ارزش‌ها و مفاهیمی چون ایثار، جهاد و شهادت تربیت شدند که این نسل ان‌شاءالله ادامه دهنده راه حاج‌احمد خواهند بود. به نظر من مرحوم یلالی نمونه بارزی از یک انسان تراز انقلاب است. به رغم مشغله‌هایش در حوزه اجتماعی به رفع محرومیت مردم منطقه توجه داشت و از محرومان دستگیری می‌کرد. یکی از آخرین یادگاری‌های مرحوم یلالی ورود خودجوشش به برنامه «روضه سیال» بود. امسال ماه محرم با توجه به شرایط کرونا، حاج‌احمد یک بلندگو روی ماشین شخصی‌اش نصب کرده بود و کوچه به کوچه به درِ خانه شهدا می‌رفت و مراسم روضه‌خوانی را برای والدین و خانواده‌های شهدا برگزار می‌کرد. همین توجهش به شهدا بود که به نظر من مرگی شهادت گونه را برایش رقم زد و رحلتش بازتاب زیادی در میان دوستداران حوزه ایثار و شهادت داشت.

نگاه

نگاهی به فعالیت‌های شبکه ملی وارثون

خاطرات ۳۰هزار نفر از والدین شهدا ثبت شده است

شبکه ملی وارثون یا همان مجمع فعالان جهاد و شهادت کشور در سال ۸۷ با هدف سازماندهی، تجمیع و تشکل‌سازی بین فعالان مردمی در عرصه جهاد و شهادت تشکیل شد. در بسیاری از سال‌ها شاهد بودیم که فعالان مردمی به صورت خودجوش برای شهدا کار می‌کردند، اما هیچ گونه تشکلی وجود نداشت تا آنها را سازماندهی کند، بنابراین شبکه ملی وارثون برای سازماندهی این فعالیت‌های پراکنده برآمد و سعی کرد به لحاظ عمومی یا تخصصی به این امر مهم ورود کند. یک کار ارزشمندی که توسط شبکه ملی وارثون انجام گرفت، برپایی دوره‌های آموزشی برای کسانی بود که علاقه‌مند به برگزاری یادواره بودند. خیلی از بسیجی‌ها، دانشجویان یا جوان‌های مشتاق و دوستدار شهدا در سراسر کشور، به صورت خودجوش اقدام به برگزاری یادواره می‌کردند. ما سعی کردیم دوره‌های آموزشی را برای این عزیزان در نظر بگیریم تا در مسیر ارزشی که به آن ورود کرده‌اند با ثبات قدم بیشتری طی مسیر کنند.

یکی از برکات آموزش‌های ما این بود که باعث شد در حرکت فرهنگی راهیان نور، رد پای تجلیل و تکریم از شهدای مدافع حرم نیز دیده شود. تاکنون در بسیاری از برنامه‌هایی که در خلال راهیان نور برگزار می‌شد، بیشتر به شهدای دفاع مقدس پرداخته می‌شد اما با تلاش‌هایی که دوستان ما در مجمع فعالان جهاد و شهادت انجام دادند، پرداختن به شهدای مدافع حرم نیز در برنامه‌های مردمی راهیان نور گنجانده شد که بسیار مورد توجه مردم و همین طور مسئولان امر قرار گرفت.

از آنجایی که کار ما در شبکه ملی وارثون حمایت از فعالیت‌های مردمی و خودجوش است وقتی یکی از مؤسسات مردم نهاد، طرح زیارت اربعین به نیابت از شهدا را مطرح کرد، ما به این طرح ورود کردیم و با مشارکت استان‌های مختلف این طرح را تبدیل به یک طرح ملی در سطح کشور کردیم که خدا را شکر در سال‌های گذشته گسترش بسیاری پیدا کرد و خیلی از زائران به این طرح پیوستند و از جانب شهدا نایب‌الزیاره شدند.

ثبت و ضبط آثار معنوی دفاع مقدس از دیگر فعالیت‌های شبکه ملی وارثون است. از مهم‌ترین آثار معنوی دفاع مقدس «سبک زندگی شهدا» است. برای اولین بار مؤسسه حماسه ثارالله کرمان با حمایت‌های حاج‌قاسم سلیمانی به ثبت و ضبط خاطرات والدین شهدا پرداخت. در این شکل از کار، صرفاً خود شهدا مدنظر نبودند، بلکه رجوع به والدین شهدا برای جویا شدن از زندگی و خاطرات خود آنها انجام می‌گرفت. هدف این بود که مشخص شود خانواده شهدا چه سبک زندگی را در پیش داشتند که منجر به پرورش یک شهید در دامان آنها شده است. ما که به این طرح وارد شدیم از استان‌های مختلف فعالان ارزشی را جمع‌آوری کردیم و در حال حاضر توانستیم به ضبط و ثبت خاطرات ۳۰ هزار والدین شهید نائل شویم. پدران و مادران شهدا یادگاری‌های ارزشمندی هستند که با توجه به کهولت سن اغلب این عزیزان، ثبت خاطرات‌شان می‌تواند در یک شِمای کلی، تاریخ شفاهی دفاع مقدس را از خطر فراموشی در گذر زمان ایمن سازد.

گفت‌وگو

گفت‌وگوی «جوان» با خواهر شهید غلامحسین نبوی از شهدای دفاع مقدس

درس می‌خواند، کار می‌کرد و کمک‌حال ما هم بود

■ صغری خیل‌فرهنگ

به دنبال شماره تماسی از خانواده شهید نصرالله (مرتضی) صباغی از شهدای دفاع مقدس بودم که با یک شماره اشتباه و به طور اتفاقی به خانواده شهید نبوی رسیدم. با اولین زنگ حلیمه نبوی گوشی تلفن را برداشت و خودش را خواهر شهید غلامحسین نبوی معرفی کرد. ما به دنبال خانواده شهید صباغی بودیم اما قسمت این شد که بدون اراده خودمان با خانواده شهیدی دیگر آشنا شویم. هرچند یادآوری روزهای شهادت برادر برای خواهر ۶۶ ساله‌اش دشوار بود اما حلیمه نبوی همه تلاشش را کرد تا از ۳۸ سال پیش و شهادت برادرش شهید غلامحسین نبوی ویژه برایمان روایت کند تا شاید همین نوشتار بتواند یادی از شهیدشان را در دل‌ها و یادها زنده کند. آنچه در پی می‌آید حاصل همکلامی ما با حلیمه نبوی خواهر شهید غلامحسین نبوی است که در ۱۰ آذر ماه سال ۱۳۶۲ در بانه کردستان به شهادت رسید.

اهل کجا هستید و شهید متولد چه سالی بود؟

ما اهل تهران هستیم. چهار خواهر و دو برادر بودیم که برادرم غلامحسین در سن ۲۱ سالگی به شهادت رسید. پدرم حاج‌علی شاگرد مغازه خواروبارفروشی و مادرم ملیحه حاجیان خانه‌دار بود. همه توجه پدرم به رزق حلالی بود که سر سفره خانواده‌اش می‌آورد و مادر هم با تربیت اهل بیتی سعی داشت ما را آنطور که شایسته یک خانواده مذهبی است پرورش دهد. الحمدلله مادر و پدر نتیجه زحمات خودشان را با عاقبت بخیری برادرم غلامحسین گرفتند.

> آخرین مرتبه‌ای که غلامحسین آمد و داشت برای رفتن آماده می‌شد، رفتم کمکش تا لباس‌هایش را بشویم. رو به من کرد و گفت به مادر حرفی نزن اما می‌دانم این بار که بروم دیگر برنمی‌گردم

چطور شد غلامحسین به جبهه رفت؟

برادرم بعد از گرفتن دیپلم به خدمت سربازی رفت و چند ماهی از خدمتش می‌گذشت که شهید شد. پدر هم دوست داشت به جبهه برود ولی شرایط اجازه حضور نمی‌داد. آن زمان پدرم برای تأمین معاش خانواده تلاش می‌کرد و همین طور نگهداری از مادربزرگم که بستری بود برعهده او قرار داشت و تمام وقتش را می‌گرفت اما مخالفتی با حضور برادرم در جبهه نداشت.

پدر معتقد بود غلامحسین باید برود و خدمت کند اما مادر نگرانی‌های خودش را داشت. ما خواهرها ازدواج کرده بودیم و سر خانه و زندگی خودمان بودیم اما مادر بی‌تاب برادر بود. یک بار هم برای دیدار با غلامحسین تا کردستان رفت و وقتی برگشت به ما گفت آنجا شرایط سختی دارد، برادرتان شهید می‌شود. ما مادر را دلداری می‌دادیم و می‌گفتیم نه نگران نباش ان‌شاءالله خیلی زود برمی‌گردد. دو هفته بعد از آن دیدار برادرم شهید شد.

چطور بچه‌ای بود؟

غلامحسین برادری مهربان و دوست داشتنی بود. کمک حال پدرم بود. هم درس می‌خواند و هم کار می‌کرد. کارش هم لوله‌کشی ساختمان بود و اینگونه به پدرمان در تأمین معاش خانواده کمک می‌کرد. با ما خواهرها رفاقت داشت و به والدین‌مان بسیار احترام می‌گذاشت.

خاطره‌ای از آخرین اعزامش دارید؟

آخرین مرتبه‌ای که آمد و داشت برای رفتن آماده می‌شد، رفتم کمکش تا لباس‌هایش را بشویم. رو به من کرد و گفت به مادر حرفی نزن اما می‌دانم این بار که بروم دیگر برنمی‌گردم. اگر مادر متوجه شود قبل از شهادتم بی‌تابی می‌کند و بیمار می‌شود. فقط از شما می‌خواهم من را حلال کنید، من شهید می‌شوم. غلامحسین می‌گفت ما در جنگ هستیم و شرایط خاصی در کردستان حاکم است.

شهادت ایشان چطور رقم خورد؟

برادرم دهم آذر سال ۱۳۶۲ در بانه به شهادت رسید. مین یاب بود. در عملیات خنثی یکی از مین‌ها منفجر می‌شود و در این حادثه غلامحسین یک دست و یک پا و همین طور سرش را از دست می‌دهد و شهید می‌شود. همسرم برای تشخیص پیکر برادرم رفت و او را شناسایی کرد.

پیکر برادرم بعد از تشییع در قطعه ۲۸ بهشت زهرا(س) به خاک سپرده شد. غلامحسین پیش از آنکه سرباز شود، بسیجی بود. آموزش‌های نظامی را در مساجد دیده بود. بعد هم که سعی کرد هم خدمتش را انجام دهد و هم در جبهه حضور پیدا کند. شکر خدا که عاقبتش شهادت شد و خانواده را هم با شهادتش روسفید کرد.

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۶۰۵۶

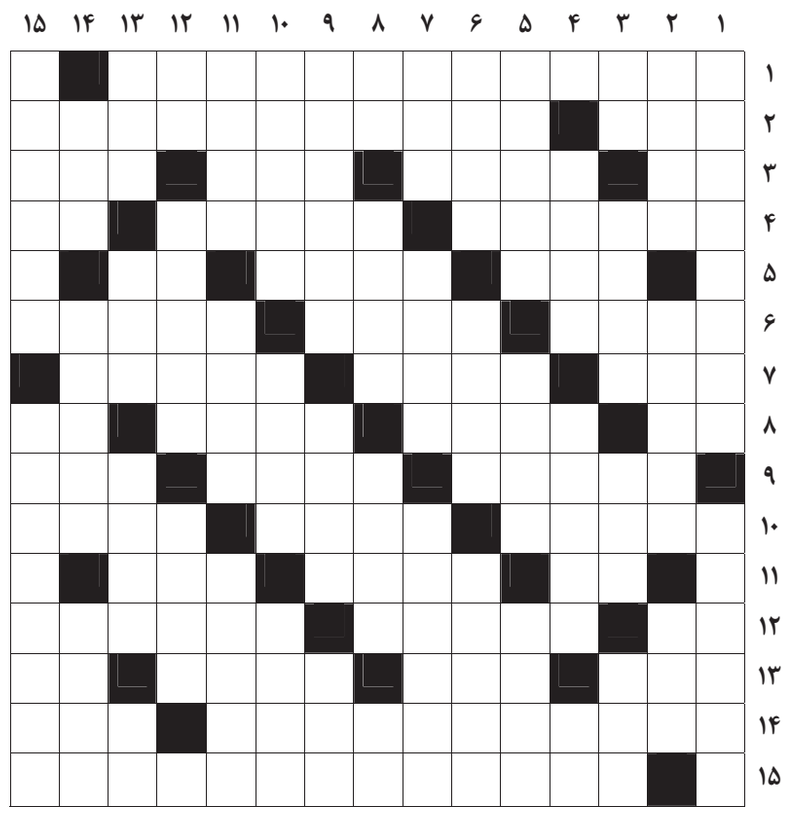

از راست به چپ

■ ۱- کنایه از احساس غرور و سربلندی کردن ■ ۲- گویند طلاست- شاعر اوایل دوره صفویه که به سرودن مدایح اهل بیت شهرت دارد ■ ۳- سوی، طرف- راحت- از نام‌های خدا- کنده‌کاری ■ ۴- توانایی و قدرت- نوعی برنج مرغوب- پنج آذری ■ ۵- ریگ نرم- مرکب‌دان- عمو ■ ۶- سمت راست- سفره- طلای کثیف ■ ۷- جای خلوت- لم‌یزرع- بیماری همه‌گیر این روزهای جهان ■ ۸- یادداشت- مرد بی زن- سمبل- دریا ■ ۹- از قالب‌های شعری- پایتخت لیدی‌ها- سنگ قبر ■ ۱۰- مؤلف اصول کافی، از کتب چهارگانه شیعه- اسب کوتوله- درخشان ■ ۱۱- راندن مزاحم- اشعه- کمتر ■ ۱۲- فلز سرچشمه- نمایش عمومی فیلم- پیش‌پرداخت ■ ۱۳- باد- شیشه آزمایشگاه- پرنده‌ای کوچک و خوش‌آواز- صوت درد ■ ۱۴- دریانورد پرتغالی قرون ۱۵ و ۱۶ که ناوگان تحت فرماندهی او افریقا را دور زد و به هندوستان رسید- مادر آذری ■ ۱۵- گروهی از جانوران سم زوج

از بالا به پایین

■ ۱- به آتش کشیدن- کشور شیرهای رام‌نشدنی ■ ۲- آبکی- انتقال یابنده- جاسوسخانه امریکا ■ ۳- صنم- جایی در قبا برای برخوردن- شکار- خوبی ■ ۴- مشک خالص- نژاد مردم پرو- کشور ورافتاده ■ ۵- سالی که در آنیم- خرمای مرغوب- پاره‌ای از گل خشک ■ ۶- افسونگر- چربی شیر خام- از ماشین‌های ساخت ژاپن ■ ۷- داخل کتاب- نبرد تن به تن- قطار شهری ■ ۸- غذای نذری- هلاک؛ نیستی- نوعی پارچه- از بیماری‌های پوستی ■ ۹- آشکار- سازمان پیمان آتلانتیک شمالی- کیف ورزشکار ■ ۱۰- اقامت کردن- خجالتی- ماه وسط زمستان ■ ۱۱- بلندمرتبه- زره‌ساز- مهد دلیران ■ ۱۲- وجه مشترک دشوار و دشمنی- پرستشگاه- مزار؛ مدفن ■ ۱۳- برکت سفره- پسوند نگهدارنده- آهنگ خواب کودک- گندم ■ ۱۴- راه زیرزمینی- قانونی که از طرف دولت برای تصویب تقدیم مجلس می‌شود- کتاب زولا ■ ۱۵- اثر شکسپیر- اثر تاریخی شیراز که در دوره صفویه به دست الله وردیخان و امام قلی‌خان احداث شده است

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

	۲	۱				۷	۳	
		۸			۷			
		۶		۱				
					۸			۹
			۷			۳		۲
۸	۴		۵			۱		
۷				۸				
۳	۸			۴			۶	
						۲	۵	

جدول کلمات متقاطع
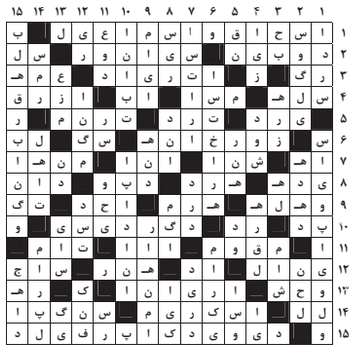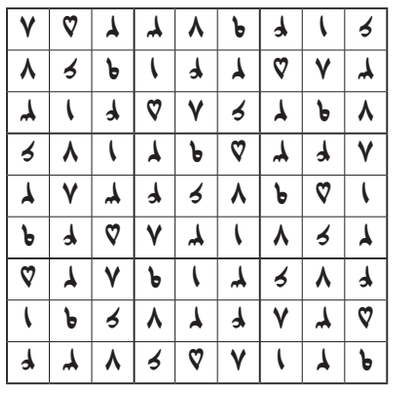
پاسخ جدول شماره ۶۰۵۵